

پیشنهاد ماده ۳ در املاک اربابی مودبان مالیاتی مکلفند مالیات جنسی خود را بانبار معدنی دولتی که معین می شود حمل و کرایه عادلانه دریافت نمایند بشرط اینکه مسافت انبار زیادتر از ۳ فرسخ نباشد.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟
مخبر - کمیسیون نمی تواند قبول کند.

عدل - بنده پیشنهاد خود را مسترد می دارم و بایشتهاد آقای مدرس موافقت میکنم.

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد. ماده سوم ارجاع میشود بکمیسیون پیش نهادات دیگر را هم اگر مقتضی بدانند بکمیسیون ارجاع میشود. آقایان اگر موافق باشند جلسه را ختم میکنم. جلسه آینه روز ۵ شبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر دستور بقیه قانون معیزی و چند فقره شهریه.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی مشایخ
منشی علی خطیبی
جلسه ۲۲۲

صورت مشروح مجلس پنجشنبه پنجم آذر ماه هزار و سیصد و چهار مطابق نهم جمادی الاولی هزار و سیصد و چهل و چهار مجلس دو ساعت و یک ربع پیش از ظهر بر است آقای تدین تشکیل گردید (صورت مجلس سه شبه سوم آذر ماه را آقای آقامیرزا شهاب الدین قرائت نمودند)

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

دست غیب - نطق بنده را در مسئله خرما در صورت مجلس بطور مطلق نوشته اند و این اسباب سوء تفاهم یا بقول دوره چهارم سوء تفاهم است بنده عرض نکردم تمام خرماها را عرض کردم باندازه سه خروار مثل گندم و جو و شلتوک نه بطور مطلق

رئیس - اصلاح میشود آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - قبل از دستور رئیس - آقای رضوی رضوی - قبل از دستور عرض دارم رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده قبل از همه اجازه خواسته بودم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست (افشاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد بعضی از نمایندگان - دستور رئیس - وارد دستور شویم؟ (بعضی گفتند خیر)

کازرونی - هر که حرف دارد باید حرفش را بزند (بعضی مجدداً گفتند - دستور) رئیس - رای میگیریم آقایانی که موافقت وارد دستور شویم قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد نتیجه استخراج آراء کمیسیون نظام و کسری سایر کمیسیون ها برض مجلس میرسد

از کمیسیون نظام فقط یک نفر آقای اخگر باشد با اکثریت چهل و چهار رای انتخاب شده اند بقیه دارای اکثریت نبوده اند دو نفر کسری اعضاء کمیسیون فوائد عامه با اکثریت تام انتخاب شده اند و آقای دادگر با پنجاه و چهار رای آقای عراقی با اکثریت پنجاه و سه رای

دو نفر کسری اعضاء کمیسیون قوانین مالیه هم با اکثریت تام انتخاب شده اند. آقای اسدی با چهل و هفت رای آقاسید علاءالدین با اکثریت چهل و سه رای از کسری اعضاء کمیسیون معارف یک نفر با اکثریت تام انتخاب شده است آقای علائی با چهل و شش رای نسبت با انتخاب کسری اعضاء کمیسیون داخله اکثریت حاصل نشده است نسبت با انتخاب کسری اعضاء کمیسیون نظام دهم دوم است و کسری سایر کمیسیونها دهم سوم است و اکثریت نسبی کافی خواهد بود راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بلاجه معیزی مطرح است

کمیسیون پیشنهاد آقای قشقائی و چند نفر دیگر از آقایان راجع با اضافه کردن خرما رد کرده است تبصره ماده دوم خوانده میشود (شرح ذیل خوانده شد)

تبصره - مقصود از مالیات جنس گندم و جو و شلتوک است رئیس - مذاکرات نسبت باین تبصره کافی شده است دیگر نمی شود در اصل تبصره حرف زد خبر کمیسیون تغییر نکرده است همان خبر سابق است در اثر قابل توجه شدن آن پیشنهاد بکمیسیون ارجاع شد و چون

پیشنهاد را کمیسیون رد کرده است مجدداً همان خبر سابق مطرح است ولی چون مذاکرات کافی شده است دراصل کمیسیون آن نمیتوان صحبت کرد پیشنهادی رد شده است قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای کازرونی - پیشنهاد میکنم که خرما بگندم و جو و شلتوک اضافه شود

من اطلاع دارم که بعضی جاها با چند ششم و هشتاد اینها اضافه میکنند پس دولت بیاورد چند فروشی قبول کند ما اگر خواسته باشیم بدولت تکلیف کنیم که يك اداره درست کند برای این قبیل کارها حقیقتاً عملی نیست مادر کمیسیون ها در مجلس شورای ملی سعی میگردید آقایان پیشنهاد میدادند که تا ممکن است مالیاتهای جنسی را موقوف کنیم و مالیات نقدی باشد

خراج دولت نقدی است و دولت يك عده اعضاء دارد که بهر يك از آنها کاری رجوع کرده است و در مقابل مواجیبی بآن ها میدهد و مواجیب آنها هیچوقت خرما نبوده است

بلی دولت برای اینکه بیکدمه از اعضایش که مال دارند جیره بدهد محتاج بجو هست و چون اداره ارزاق باورسیده شده محتاج بگندم هم هست ولی اگر به خواهیم بدولت اجازه بدهیم که يك اداره هم برای خرما فروشی درست کند ابدانمان نیست

يك فرمایش دیگری آقا فرمودند که قابل توجه مجلس میشود مطالعه کنیم اگر خوب و عملی است قبول کنیم و راپورتش را تقدیم مجلس نمایم و اگر عملی نیست رد کنیم

ما مطالعه کردیم و دیدیم اجرای این پیشنهاد دولت بیکمخارج زیادی لازم خواهد داشت آنهم بضرر مملکت از این جهت نتوانستیم قبول کنیم

رئیس - پیشنهاد شده است نسبت باین پیشنهاد باورقه اخذ رای شود قرائت میشود (شرح آتی خوانده شد) پیشنهاد میکنم نسبت بپیشنهاد مالیات خرما باورقه رای گرفته شود شیروانی روحی رضامندی ۱۰ اسدی هر مزی رئیس - مقصود پیشنهاد کنندگان این است که در پیشنهادی که شده است راجع بخرما باورقه رای گرفته شود کمیسیون محترم در مقابل رای مطاع مجلس مقدس مقتضی بدانند که تا این اندازه مقاومت نکند

عائزی زاده مخبر کمیسیون - کراراً پشت همین تربون راجع بزادای بودجه وزارتخانه ها مخصوصاً وزارت مالیه فرمایشاتی کردند که همه ما ها فرمایشات ایشان را استماع کردیم و تصدیق هم کردیم که دولت باید بودجه خرجش را کم کند ولی ما باید بدولت دستور العملی بدهیم که بتواند خرجش را کم کند

کنون عایدات مملکت ما خرما نبوده است خرما هم مثل هویج و انگور و سایر چیزها تعمیر میشود میفرمایند فوت بعضی جاها خرما است

رئیس - عده حضار بود و در وره سفید سی و سه کبود و سی و نه مانده است اسامی موافقین - آقایان آقامیرزا حسنخان پیرنیا اسمعیل خان قشقائی سید ابوالفتح ابوالحسن پیرنیا آقا مورتا

ماده دوم بانصیر آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم - مودبان مالیاتی در موردی که مالیات خود را عین جنس باید بدهند مخیرند جنس مالیاتی را در محل تحویل مأمور مالیه نموده و برای تهیه وسائل حمل آن در ازاهر خر و ار بنجران بردارند و یا آنکه جنس را بنقطه که دولت معین میکند و مسافت آن بیش از پنج فرسخ نخواهد بود حمل کرده تا دو فرسخ مجاناً و زیادتر آن را کرایه عادلانه دریافت نمایند

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس که قابل توجه شده است در کمیسیون جرح و تعدیل شده است. آقای دست قیاب (اجازه) دست غیب - مخالفم رئیس - بفرمایند دست غیب - مخالفت بنده با این ماده دوسه جهت دارد. یکی این که اولاً میخوامم تذکر بدهم که بر مالیات افزودن اند نهایت این است که هر مالیاتی را بیک اسم می گیرند اینجا باسم حمل و نقل گرفته می شود پس تذکر عرض می کنم که علاوه بر مالیات سابق خرواری پنج قران باسم حمل و نقل علاوه کرده اند

روحی و بعضی زنگنه امیر حسینخان بختیاری آقا شیخ جلال الدین آقامیرزا عبداللہ خان معتد حاج میرزا علی رضا قاسمی آقاسید عبدالملکی میرزائی آقاسید حسن اجاق آقامیرزا یوسف خان قائم مقام آقاسید حسن تقی زاده آقارضا مهدوی محمد ولی خان اسدی آقامیرزا ابراهیمخان مهربان زاده

آقامیرزا شهاب الدین فتح الله میرزا هرمزی آقا سید حسن مدرس آقارضا تجرد آقامیرزا محمدخان معظمی آقاسید میرزا حسینخان علائی آقاسید کاظم یزدی آقامیرزا محمد نجات اکبر میرزا حاج سید عبدالملکی طباطبائی دیبا آقاسید ابوالحسن حاجی زاده محمد ولی میرزا فیروز

آقا شیخ فرج اله آقامیرزا عبدالعزیز مفتی آقاسید یعقوب و شیروانی لطف اله خان لایقوانی دکتر حسینخان بهرامی آقا میرزا باقر خان عظیمی سلیم ایزدی آقامیرزا مهدی بخان زاهدی آقامیرزا رضا خان افشار کی استوان

رئیس - رای میگیریم به تبصره یاسائی بنده اخطار نظامنامه دارم رئیس - بفرمایند یاسائی - بنده تصور میکنم بعد از اینکه این پیشنهاد بلانکایف مانده تکلیف این پیشنهاد معلوم نمیشود به تبصره رای گرفت نظامنامه اینطور میگوید

رئیس - آقایانی که مخالف هستند رای نخواهند داد علاوه مانی هم نخواهد داشت ممکن است در آخر هم ماده العاقبه پیشنهاد کنند رای میگیریم تبصره آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اغلب برخاستند) رئیس - تصویب شد رای میگیریم به

یک نفر از نمایندگان - میبندند دست غیب - من که گمان نمی کنم فرضاً هم بعضی از مالکین اینطور باشند که پول هم بدهند خیلی کم است علی ای حال اگر بنا باشد که حمل و نقل جنس با مالک باشد علاوه بر دو فرسخ را نرخ عادلانه دریافت دارند اخلاقی که بنده سراغ دارم و اختلافاتی که بین مالک و زارع موجود است با زهم همان نزاعها و کشمکشها فراهم خواهد شد

خوبست آقایان تنها نظرشان به محیط بلدان و طهران و اطراف تهران نباشد و تا اندازه هم بولایات و شهرهای دور دست نظر داشته باشند تعجب بنده از این است که اعضاء محترم کمیسیون قوانین مالیه با این که اغلب و اکثرشان و کدلائی ولایات هستند تصور نکرده اند که مأمورین دولت وقتی بیکشان ریخ دهی رفت چه کارها می کنند

ممکن است بعضیها بگویند یک نفر مأمور بد اخلاق شد چه مربوط بقانونگذار است ولی خیر اینطور نیست ما قانون را برای این مملکت و این مردم وضع میکنیم قانونگذار باید اخلاق و عادات مردم را ملاحظه کند و تمام این ترتیبات را در نظر بیاورد و قانون وضع کند تا اینکه خیال کند قانون برای مملکتی وضع میکنند که ظلم و تعدی دولت را بر اهل آن مملکت کفر است بهر جهت بنده بایشاده مخالفم و اینرا بشر مردم میدانم رئیس - آقای عدل (اجازه)

آقامیرزا یوسفخان عدل - اینماده که آمد به مجلس اختلاف نظرهایی درش پیدا شد و مجدداً برگشت بکمیسیون و دولت يك نظریاتی در آن داشت که حمل و نقل غله در بعضی جاها برای دولت مشکل است بنده در فرمایشات آقای دست غیب هیچ تردیدی ندارم ولی در کمیسیون که مذاکره کردیم که هم اسباب تسهیل مالک و زارع باشد و هم اسباب تسهیل دولت زیرا هر کجا که

اینجا تصور نشود که این عرضی را که بنده می کنم برای تقویت از مالکین است که گفته شود چون مالکین پول دارند بنده از آنها تقویت می کنم خیر - مقصود بنده تقویت از آنها نیست زیرا تجملی که بمالک وارد می آید با اصولی که بین مالکین و زارعین در ایران معمول است و اخلاقی که بنده سراغ دارم خودم هم یکی از آنها هستم می دانم که قسمت عمده اش بر می گردد بزراع و هر تجملی که دولت بمالک بکند او هم بزراع می کند

مثلاً وقتی که بنا باشد حمل و نقل بدهد مالیات بنده که مالک است بشود آنوقت مالک بزراع می گوید حمل کن و هیچوقت نمیاید دست بکند در جیبش و برای حمل جنس پول بر عیت بدهد

مخبر - مادام مفهوم میشود در مواردی که باید عین جنس بدهند یعنی در وقتی که گندم و جو و شلتوک باید بدولت بدهند تصریح ندارد که برای آن سه خرواری که گفته شده تسعیر شود این پنجقران ندهند ممکن است مأمورین پس از آنکه سه خروار را فرضاً از زارع واری ده تومان تسعیر کردند بگویند خرواری پنجقران هم علاوه باید بدهی چرا برای اینکه مطابق ماده سوم قانون معیزی که خرواری پنجقران از بابات حمل جنس معین شده باید ده تومان قیمت جنس و پنجقران هم برای حمل جنس کرایه بدهی از این جهت بنده آن پیشنهاد را کردم که رفع محظور شود

مخبر - بنده قبول میکنم رئیس - پیشنهاد دیگری است از طرف آقای آقا سید یعقوب قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که فرسخی دورتران بیش داده نشود که خرواری چهارقران باشد رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده ملاحظه می کنم عین جنسی را که دولت حمل میکند و از جاهای دیگر که به تهران می آورند خرواری پنجقران کرایه نمی دهند و کثیر از این مقدار است پس چرا ما حالا بنایم و از مالکین پنجقران بگیریم این است که بنده پیشنهاد کردم که فرسخی دورتران باشد گرفته شود رئیس - آقای رضوی (اجازه) رضوی - بنده باین پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب مخالفم زیرا يك نرخ معین است

(بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - رای میگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده اضافه شود و آن مقدار جنسی که بموجب ماده دو تسعیر میشود از دادن خرواری پنجقران معاف خواهد بود

مخبر - مادر تنظیم این ماده مقصودمان همین بود و مخصوصاً بنده کردیم که (مودبان مالیاتی در وقتی که مالیات خود را عین جنس باید بدهند) در اینصورت دیگر تصور نمی کنم محتاج بتوضیح باشد باین حال باز هم اگر بیل دارند ممکن است کمیسیون هم قبول کند

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب (اجازه) آقامیرزا شهاب - از این ماده که تنظیم شده است همچو مفهوم میشود در مواردی که باید عین جنس بدهند یعنی در وقتی که گندم و جو و شلتوک باید بدولت بدهند تصریح ندارد که برای آن سه خرواری که گفته شده تسعیر شود این پنجقران ندهند ممکن است مأمورین پس از آنکه سه خروار را فرضاً از زارع واری ده تومان تسعیر کردند بگویند خرواری پنجقران هم علاوه باید بدهی چرا برای اینکه مطابق ماده سوم قانون معیزی که خرواری پنجقران از بابات حمل جنس معین شده باید ده تومان قیمت جنس و پنجقران هم برای حمل جنس کرایه بدهی از این جهت بنده آن پیشنهاد را کردم که رفع محظور شود

مخبر - بنده قبول میکنم رئیس - پیشنهاد دیگری است از طرف آقای آقا سید یعقوب قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که فرسخی دورتران بیش داده نشود که خرواری چهارقران باشد رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده ملاحظه می کنم عین جنسی را که دولت حمل میکند و از جاهای دیگر که به تهران می آورند خرواری پنجقران کرایه نمی دهند و کثیر از این مقدار است پس چرا ما حالا بنایم و از مالکین پنجقران بگیریم این است که بنده پیشنهاد کردم که فرسخی دورتران باشد گرفته شود رئیس - آقای رضوی (اجازه) رضوی - بنده باین پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب مخالفم زیرا يك نرخ معین است

رئیس - رای میگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده اضافه شود و آن مقدار جنسی که بموجب ماده دو تسعیر میشود از دادن خرواری پنجقران معاف خواهد بود

مخبر - مادام مفهوم میشود در مواردی که باید عین جنس بدهند یعنی در وقتی که گندم و جو و شلتوک باید بدولت بدهند تصریح ندارد که برای آن سه خرواری که گفته شده تسعیر شود این پنجقران ندهند ممکن است مأمورین پس از آنکه سه خروار را فرضاً از زارع واری ده تومان تسعیر کردند بگویند خرواری پنجقران هم علاوه باید بدهی چرا برای اینکه مطابق ماده سوم قانون معیزی که خرواری پنجقران از بابات حمل جنس معین شده باید ده تومان قیمت جنس و پنجقران هم برای حمل جنس کرایه بدهی از این جهت بنده آن پیشنهاد را کردم که رفع محظور شود

مخبر - بنده قبول میکنم رئیس - پیشنهاد دیگری است از طرف آقای آقا سید یعقوب قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که فرسخی دورتران بیش داده نشود که خرواری چهارقران باشد رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده ملاحظه می کنم عین جنسی را که دولت حمل میکند و از جاهای دیگر که به تهران می آورند خرواری پنجقران کرایه نمی دهند و کثیر از این مقدار است پس چرا ما حالا بنایم و از مالکین پنجقران بگیریم این است که بنده پیشنهاد کردم که فرسخی دورتران باشد گرفته شود رئیس - آقای رضوی (اجازه) رضوی - بنده باین پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب مخالفم زیرا يك نرخ معین است

رئیس - رای میگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده اضافه شود و آن مقدار جنسی که بموجب ماده دو تسعیر میشود از دادن خرواری پنجقران معاف خواهد بود

برای گرایه درست میکنند آنوقت در بعضی جاها که گرایه خرواری پنجقران یا شش قران است دولت میگوید شما خودتان قرار گذاشتید که خرواری دوقران بدید بنابر این عقیده بنده این است همینطور که کمیسیون تصویب کرده بطور مطلق باشد بهتر است و الا اسباب زحمت خواهد شد .

آقا سید یعقوب - بنده مسترد میدارم رئیس - پیشنهاد آقای نظامی قسمت اولش مورد ندارد زیرا در جلسه گذاشته رد شده است .

تبصره اش قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم اینطور اصلاح شود

ماده سوم - مالیات جنسی از مؤدیان مالیاتی در همان املاک گرفته میشود تبصره در صورتی که مسافت از آن ملک تا بنابر دولتی يك فرسخ باشد مؤدیان مالیاتی بدون اخذ گرایه حمل و تحویل خواهند نمود .

آقا میرزا بدله خان نظامی - مقصود بنده در قسمت اول بود حالا که اینطور است مسترد میدارم

رئیس - این هم مسترد شد . رای گرفته میشود بماده سوم یکتفر از نمایندگان - خوبست قرائت شود .

(مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای بیات پیشنهاد کرده اند بجای پنجقران سه قران نوشته شود . آقای بیات

این عقیده بنده يك تعمیلی است بملکیت ولی حال چون دولت اصرار دارد و یک پیشنهادی هم شده کمیسیون قبول کرده اند - لذا بنده این پیشنهاد را بکنم .

چون عرض کردم بتناسب هم که حساب کنیم اگر دولت خرواری سه قران هم بگیرد باز زیاد تر میشود از آن حدی که معمول بوده و همانطور که آقای دست غیب فرمودند این در واقع يك مالیاتی است که باین طور وضع میشود بنده این رایك تعمیلی میدانم .

مخبر - بنده تصور میکنم که خود آقای نماینده محترم ابتداء این فکر را خودشان بمجلس مرحمت کردند و در جلسه سابق خودشان فرمودند که خوبست دولت يك مبلغی اضافه از ما بگیرد و رقم اجافات را بکند در جلسه قبل پیشنهاد هائی شد حتی یکی از نمایندگان در کمیسیون پیشنهاد کردند که دولت خرواری پانزده قران گرایه بگیرد و مردم را از شرحم و نقل راحت کند و ما باین مبلغ پیشنهاد کردیم و اما اینکه فرمودند در تمام نقاط ایران اینطور نیست لازم است عرض کنم که در قسمت قرائت و بپرسید جنس را حمل می کنند بسرحد و گذشته از گندم و جو که راهم در بعضی از نقاط سرحدی بار میکنند و میرند و مالکین راهم مجبور می کردند که گاه را حمل کنند و بیست فرسخ وسی فرسخ آنطرف تر ببرند و تحویل بدهند این طرز مالیات قدیم ملکیت بود

ما حالا مالیات جدیدی وضع نکرده ایم بلکه خواسته ایم همان مالیاتهای سابق را تعدیل کنیم و اجافات و ظلمها کم و تقلیل نمایم و کمیسیون ما بین پیشنهادهای واصله همین قیمت پنج قران را قبول کرد و ناچار آقای بیات بفرمایش آقای رضوی توجه فرموده اند که اظهار داشته اگر ما گرایه فرسخ را دوقران کمتر قرار بدیم دولت میخواهد جنس بیشتر حمل کند و این را ماخذ قراردادن خوب نیست و اسباب زحمت میشود .

رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای بیات آقایان موافقین قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . رای میگیریم بماده سوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای سلطانی هم در واقع يك اصلاح عبارتی است پیشنهاد فرموده اند بجای «در ازاء خرواری» نوشته شود «از قرار خرواری» تصور میکنم نتیجه یکی باشد ماده چهارم قبلاً تصویب شده است

ماده پنجم خبر کمیسیون قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده پنجم - زراعت کتان و کنف و نیل و روناس و نیشکر و چغندر قند و چای و زعفران و زیتون و توتون و گندم جهت کرم بریشم از روز احداث تا مدت پنج سال از مالیات معاف خواهد بود . و هر گاه بعد از معیزی صاحبان املاکی که بموجب این قانون مالیاتشان تشخیص داده شده بوزارت مالیه اظهار کنند که مقداری از زراعت خود را تبدیل بزراعت های مذکور در فوق نموده اند وزارت مالیه مکلف است در صورت صحت معادل مالیات زراعتی که تبدیل شده است از مالیات آن ها تا زمان معیزی جدید کسر نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم با اینکه این ماده مطرح شود زیرا این ماده را تازه درست کرده اند و طبع و توزیع هم نشده است تا ما بفهمیم و در واقع يك ماده جدیدی است که در شباز کمیسیون گذرانده و امروز آورده اند از این جهت بنده با مطرح شدنش مخالفم

رئیس - در آن چند جلسه که تشریف نداشتید راجع باین ماده چندین پیشنهاد شده بود آن پیشنهادات بکمیسیون ارجاع شده بود و حالا این عقیده جدید کمیسیون است

آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده مخالفم رئیس - آقای انسر (اجازه)

معهده هاشم میرزا انسر - بنده با ماده موافقم

رئیس - چون آقای آقا سید یعقوب قدری مخالف بودند بفرمایند محمد هاشم میرزا انسر - بنده پنج سال معافیت را کم میدانم و پیشنهاد کرده بودم هفت سال باشد ولی برای اینکه قانون معیزی زودتر بگذرد و بنده هم موافقم

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده نقطه نظر مخالفم را در روز در کمیسیون عرض کردم و حالا هم در اینجا عرض میکنم و آن راجع بتوتون و تنباکو است که در اینجا باید اضافه شود زیرا مجلس برای توتون و تنباکو يك مالیات گزافی وضع کرده و همین مسئله سبب شده که زراعت توتون و تنباکو از بین رفته و حالا اگر بنا شود توتون و تنباکو در اینجا معاف نباشد و با آن مالیات گزافی که سال گذشته برایش وضع شده باز يك مالیات دیگری بدهد محصول توتون و تنباکو بکلی از بین خواهد رفت و از این جهت بنده مخالفم

رئیس - توتون و تنباکو يك قانون خاصی دارد و نمیشود بوسیله يك پیشنهاد آن را لغو کرد

مخبر - نماینده محترم در کمیسیون هم این مطلب را اظهار فرمودند و در آنها همچو مذاکره شده که از لحاظ تشویق ما میخواهیم يك چیزهای دیگری را هم در ملک معمول کنیم ولی نخواسته ایم که هیچکدام از این زراعتها را جانشین زراعت دیگری کرده باشیم بلکه خواسته ایم این زراعتها را معمول کنیم .

مثلاً در بعضی جاهائی که جای کاری معمول بوده برای تشویق این زراعت و اینکه بهتر و زیاد تر شود گفتیم تا پنج سال از مالیات معاف بشود ولی توتون و تنباکو آقایان نمایندگان چندان نظر تشویقی نداشتند و کمیسیون هم عقیده نداشته و از این جهت در اینجا ذکر نشده است

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده گمان میکنم این ماده تقض غرض باشد

اولاً عقیده بنده این است که این ماده يك لطمه بقانون معیزی و مالیات دولت می زند که بعد از دوسه سال دیگر جریان نایند بر خواهد بود . و دولت مجبور میشود که این ماده را اصلاح کند .

زیرا در يك مجلسی که برنج و سایر حبوبات مالیات بده عمل میآید وقتی که فهمیدند اگر در آن محل کنف و کتان یا روناس و سایر چیزهائی که مالیات بده نیستند بکارند از تأدیبه مالیات معاف خواهند بود . آنوقت همه در صد در میانند که اینها را بکارند برای اینکه تا پنج سال مالیات ندهند و در نتیجه چیزهائی که مالیات بده است موقوف میشود و قهراً زراعت نمیشود . و این مسئله دوسه سه ب دارد اولاً به از زراعت ملکیت لطمه وارد میآورد . ثانیاً با مالیات ملکیت سکنه میزند . ثالثاً بزراع هم صدمه میزند .

زیرا رعیت برنج کار کنف کار نیست و تازه باید بین ارباب و رعیت يك فراد دادهای جدیدی وضع شود که اسباب زحمت خواهد بود .

بدیهی است که رعیت گندم کار با رعیت کنف کار خیلی فرق دارد و کنف کار را باید از قفا زور سیه و آوند و بخواهند و تازه باید از آنها طرز عمل آوردن کنف کاری را یاد بگیرند و رعیت ایرانی عادت کرده است که يك قسمت از زراعت خودش را در خانه اش ببرد .

اگر در حدود شمال است برنج بکارند و کته درست کنند بخورد و اگر در جنوب است خرما بکارند بخورد و بالاخره اگر در اصفهان است باید خرزه اصفهان بخورد .

تا کی باید ترتیب زندگانی ما مثل زمان بابا آدم باشد .

ما مردم را باید تشویق کنیم که طرز زندگانی شان و طرز زراعتشان را عوض

ثانیاً به اقتصادیات و ثالثاً با مالیات دولت سکنه میزند .

اساساً لازمست عرض کنم که این پیشنهاد را ما برای چه کردیم؟ برای اینکه اولاً گذشته از زراعتی که در ایران تاکنون معمول و متداول بوده ما بخواسته ایم از لحاظ اقتصاد يك چیزهای دیگری را هم در ملک معمول کنیم ولی نخواسته ایم که هیچکدام از این زراعتها را جانشین زراعت دیگری کرده باشیم بلکه خواسته ایم این زراعتها را معمول کنیم .

مثلاً در قسمت گیلان که آب و زمین فراوان است ما خواسته ایم علاوه بر برنج کاری که حالا در آنجا متداول است زراعت کنف کاری هم معمول شود و برای عملی شدن و تشویق این امر همچو قرار داده ایم که زراعتهای جدید تا پنجسال از تأدیبه مالیات معاف باشد .

اما اگر بطوریکه در این ماده نوشته شده بیائیم يك زراعت را جانشین زراعت دیگر بکنیم و آنها را هم از تأدیبه مالیات معاف بکنیم بزراعت وهم به مالیات دولت سکنه وارد آورده ایم

جمع از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

مخبر - نماینده محترم از دو جنبه بر این ماده اعتراض داشتند یکی اینکه تصور میکردند که بواسطه این معافیت عایدات دولت کسر میشود و امر مالیات معوق میماند در این باب بنده اطمینان دارم که عقل و وزارت مالیه در طرز وصول مالیات خیلی بیشتر از ما است برای اینکه ما در اینجا نشسته ایم و قانون وضع میکنیم ولی آنها داخل در عمل و اجرا هستند و اطلاعاتشان در خصوص مالیاتشان از ما زیاده تر است و در این موضوع اگر وزارت مالیه تصور میکرد که مالیاتش کسر میشود این ماده را قبول نمیکرد و داد و فریاد میزد که مالیات ما کسر میشود . چنانچه ملاحظه می فرمایند در خیلی از مواقع که ما از دست ماورین مالیه شکایت میکنیم و میخواهیم بعضی تعدیلات را از سر مردم رفع کنیم یا بعضی پیشنهادات میکنم دولت پیشنهادات ما را قبول نمیکند و میگویند اگر قبول بشود عایدات من کسر خواهد شد .

پس اگر يك پیشنهادی را دولت قبول کند همچو معلوم میشود که فکرش را کرده و دیده که صدمه وسکنه بمایهاتش ندارد . اما راجع بآن قسمت دیگری که فرمودند لازمست عرض کنم که ما باید کم کم معتقد با اصول جدید بشویم باید طرز زراعت و زندگانی خودمان را عوض کنیم .

تا کی باید ترتیب زندگانی ما مثل زمان بابا آدم باشد .

ما مردم را باید تشویق کنیم که طرز زندگانی شان و طرز زراعتشان را عوض

کنند ما باید در دنیای امروزه زندگی کنیم .

ملکیت ما يك ملکیت زراعتی است و باید ترتیبی بدیم تا بتوانیم با سایر ملل دنیا رقابت کنیم و الا اگر بخواهیم وضعیت زراعت ملکیتان را مثل دوهزار سال پیش نگاه داریم ضرر بجامعه و ملت زده ایم يك جماعه فرمودند که در گیلان آب زیاد است و برنج کاری میشود اگر بنا شود این معافیت باشد دیگر زراعت برنج نمیشود .

در ماده شش نوشته شده بود که اراضی و املاک و قنوات جدید الاحداث و املاکی که جدیداً احداث میشود از مالیات معاف دارند .

ولی این ماده برای تشویق زارعین نوشته شده و صدمه بعایدات دولت وارد نمی آورد .

مثلاً چغندر قند که در اینجا نوشته ایم اولاً باید دانست که هنوز در کارخانه کهریزک کسی نرفته که گردش را يك کند مقصود این است که هنوز کسی به خیال کارخانه قند سازی و زراعت چغندر نیفتاده منتهی مادر اینچایش بینی کرده ایم که اگر يك وقتی زراعت چغندر شد تا پنجسال معاف باشد . در واقع يك امر موهومی را پیش بینی کرده ایم .

مثلاً امروزه ما خیلی برنگ ثابت احتیاج داریم زیرا بواسطه رنگهای غیر ثابت قالیهای ما در بازارهای دنیا شکست خورده . ما باید وسایل رنگ ثابت را در ملکیت فراهم کنیم تا مردم بخیال استعمال رنگ جوهر نیفتند که قالی را خراب کنند . از این جهت ما روناس را برای تشویق تا پنجسال معاف کرده ایم .

برای اینکه صنعتان در دنیا ترویج شود و همچنین نسبت بسایر چیزهای دیگر و از این جهت بنده نمی توانم مخالفت آقارا قبول کنم .

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است . و عده ای دیگر اظهار نمودند کافی نیست)

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند؟

مدرس - خیر کافی نیست برای اینکه معنی ماده مجهول است .

رئیس - رای میگیریم بصفاییت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است . پیشنهادات واصله قرائت می شود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای رضوی . بنده پیشنهاد می کنم توتون و تنباکو هم اضافه شود بماده پنجم .

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده توضیح خودم را عرض کرده ام ولی اینکه آقای مخبر فرمودند که توتون و تنباکو خارج نمی شود و جزو صادرات ملکیتی نیست بنده این را قبول ندارم و بطوریکه بنده سراغ دارم تنباکو کوی اصفهان و شیراز را بخارج حمل میکنند و از این جهت بنده با زهم عرض می کنم که با آن مالیات سنگینی که سال گذشته برایش وضع کرده اند اگر حالا معاف بشود بکلی این زراعت از بین خواهد رفت و ما صادرات ملکیت صدمه خواهد زد .

معاون وزارت مالیه - بنده دیر روز که در موضوع توتون و تنباکو در کمیسیون مذاکره می شد عرض کردم تصور میکنم که این يك چیزی است که علی الفعله از نظر آقای رضوی گذشت که مطرح فرمودند زیرا توتون و تنباکو يك مالیات مخصوصی دارد و اگر ما بخواهیم نسبت بآن مالیات يك نظر تعدیلی داشته باشیم آن يك امر جدا گانه ایست و این يك چیزی نیست که چهار سال یا پنجسال یا هفت سال از مالیات معاف باشد زیرا زراعت توتون و تنباکو يك چیز تازه نیست و مدتها است که در ملکیت کشت می شود و تصور نمیکند که در باب توتون و تنباکو اصلاً محتاج بمذاکره باشد .

رئیس - اگر مقصود معافیت راجع بآن قسمت مالیاتی است که سابقاً از مجلس بموجب قانون مخصوصی گذشته که گمان نمی کنم آنرا بتوان با این پیشنهاد لغو کرد .

رضوی - خیر . مقصود این است که دومرتبه دیگر چیزی گرفته نشود .

رئیس - از بیانات آقای معاون همچو معلوم شد که علاوه بر آنچه بوجه آن قانون مخصوص گرفته میشود دیگر چیزی اضافه اخذ نمی شود .

رضوی - خیر الان هم می خواهند بگیرند پس خوبست آقای معاون توضیح بدهند تا مطلب درست معلوم شود .

مخبر - اصلاً عوارض غیر مستقیم را ما با عوارض مستقیم نمیتوانیم با هم مخلوط کنیم .

اصلاً عدلیه از يك اجناسی يك مالیاتی نباید در دو روزه ها میگیرد ما نمیتوانیم مالیاتهای ارضی را بواسطه مالیاتهای غیر مستقیم معاف کنیم و همچنین مالیات توتون و تنباکو که بموجب قانون مخصوص عوارضی بر آنها تحمیل شده مالیات غیر مستقیمی است که از جنس تنباکو اخذ میشود و معافیت مالیات ارضی توتون و تنباکو را با آن معاف کرد .

رئیس - رای میگیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای رضوی آقایانی که پیشنهاد

ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای رفیعه .

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که زیتون هم ماده سه علاوه شود .

بعضی از نمایندگان - در ماده هست .

رئیس - خوب اگر هست نظر ایشان تأمین شده است .

پیشنهاد آقای کازرونی (اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بته کاوچوم ضمیمه معافیت شود .

کازرونی - بنده تصدیق می کنم در مدت پنجسال این مسئله عملی نخواهد شد که ما معاف کنیم یا معاف نکنیم لیکن فرض من تذکری است در قانون که اهل وطن خودمان میدهم که يك چیزیکه امروزه محل احتیاج دنیا است و در قسمت جنوبی ما بخوبی عمل می آید و مخصوصاً در میناب و خوزستان و بعضی از نقاط جنوبی ما بعمل می آید

بنابر این بنده خواستم يك تذکری بنهم که این کاوچو را هم ضمیمه قانون کنیم که مردمی که میتوانند تذکر شوند که بوتهاش را بیاورند و يك استفاده کلی ببرند و این زراعت را احداث کنند و هیچ ضرری هم بدولت وارد نمی آورد .

معاون وزارت مالیه - بنده خیلی خوب میدانم تمام چیزهائی که ما در خاطر میتوانیم بگذرانیم جزو معافیات کنیم که هم عایدی کسر نشود و هم مردم را تشویق کرده و هم خدمت با اقتصادیات این ملکیت بشود لیکن علی العجاله در وزارت مالیه و در کمیسیون نسبت بمعافیت مذاکره از چیزهائی که وجود دارد و قابل استفاده است هم از حیث کمیت وهم از حیث کیفیت شده ولی ممکن است بعد در نظر گرفته شود و نسبت به آن چیزهائی که قابل امتنا باشد که در ملکیت کاشته شود نه تنها کاوچو بلکه پنج چیزه دیگر از آن قبیل يك ماهه تقدیم مجلس شود و آنها هم از مالیات معاف باشند

مخبر - اگر بنده اطمینان داشتم که بقبول کردن این مسئله مذاکره خانه پیدا می کرد بنده می توانستم از طرف کمیسیون قبول کنم لیکن نظائر آن در ملکیت ما زیاد است

مثلاً در یکجائی ممکن است مواد اصلیه از قبیل فلفل که درخت فلفل در تمام ملکیت ما ممکن است و صاصله باشد آنرا هم باید بنویسیم و هم چنین دارچین و هل و غیره اینها هم معافیت طواریست و ممکن است اینها هم عایدی ما را زیاد کند

ولی عقیده من اگر آنها را در این

میتواند ؛
از سالی که اول حاصل را برداشت می کنند تا پنج سال یا هفت سال از مالیات معاف است .
اگر ده سال باشد شاید بتوانستیم آباد کنیم و بعد از ده سال شروع کردیم آنوقت از معافیت بی بهره میمانیم لهذا باید از اولین برداشت حاصل باشد که تا بیست سال دیگر هم هر کسی قناتی آباد میکند بی بهره نباشد .
رئیس - رای میگیریم به ماده ششم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .
ماده هفتم .
(شرح ذیل خوانده شد)
ماده ۷ - مالیات مراع رمواشی بقرار ذیل تعلق خواهد گرفت
مادیان پنجقران - شتر علاوه سه سال ده قران ، اسب سه قران ، قاطر چهارقران میش علاوه بردوسال يك قران ، بز علاوه بردوسال یازده شاهی . الاغ سه سال یکقران گاو شیرده چهارقران
تبصره ۱ - مالیات فوق بچروانسانی تعلق می گیرد که در شهرها نواقل ماهیانه نمیدهند و بز شتر قاطر اسب والاغ که به حمل و نقل مال التجاره برای کسب چار - واداری اشتغال دارند از ادای مالیات فوق معافند .
تبصره ۲ - هر خانواده از پرداخت مالیات همه حیوانات ذیل معافند
۱ - شتر یکقنر
۲ - گاو ماده شیرده دورا سر (با در عرض آن میش نرماده ده رأس)
۳ - بز ماده و میش پنج رأس .
۴ - اسب یا مادیان يك رأس .
۵ - قاطر يك رأس .
۶ - برای هر جفت گاو کار الاغ دو رأس .
تبصره ۳ - بعد از پنج سال دارندگان مواشی از یکطرف و دولت از طرف دیگر میتوانند تجدید نظر بخواهند .
مغبر - چون مواد این رایورت عیناً همان مواد است که کمیسیون سابق قبول کرده بود و کمیسیون جدید تصور میکرد که با توافق نظر دولت آن مواد تنظیم شده است و برای معطل نشدن رایورت همین آن رایورت تقدیم مجلس شد و کمیسیون اجازه داد که مغبر از آن رایورت دفاع کند بعد که نماینده دولت در مجلس اظهار عدم رضایت از آن مواد سابق کرد نظر ما این شد که تجدید نظری درش بشود .
حالا اگر آقایان پیشنهادات و اطلاعاتی دارند ممکنست بکمیسیون بدهند تا کمیسیون تشکیل شود و با موافقت نظر دولت يك رایورت جدیدی تنظیم کند

این است که استماع میکنم اگر آقایان نظری دارند اظهار بفرمایند تا برگردد بکمیسیون و با توافق نظر نماینده دولت مجدداً برگردد .
رئیس - همانطور که آقای مغبر خودشان اظهار کردند در رایورتیکه داده بودند تصدیق کرده اند و حالا معلوم میشود تغییر عقیده داده اند معذک تقاضای ارجاع به کمیسیون از طرف مغبر يك قدری اشکال دارد .
آقای میرزا محمد خان وکیل مخالفید ؟
آقا میرزا محمد خان وکیل - بلی .
رئیس - بفرمایند .
آقای میرزا محمد خان وکیل - مخالفت بنده با اصل این ماده نیست بلکه با طرز اجرای آنست که چطور اجرا می کنند ؟ در اینجا میتوانستیم تبصره سه بعد از پنجسال دارندگان مواشی از یکطرف و دولت از طرف دیگر میتوانند تجدید نظر بخواهند .
حالا بنده هر چه فکر میکنم والان هم دو دوره است در سر همین ماده پشت همین کرسی نطق دوساعت حرف زده ام و حتی با نمایندگان دولت هم در کمیسیونها مکرر مذاکره کرده ام و بالاخره چیزی نفهمیده ام يك وقت آقای داور مغبر کمیسیون بودند و بنده سؤال میکردم که چگونه این ماده را اجرا میکنند ایشان حقیقتاً با زبان بی زبانی میفرمودند واقعا ما هم نمیدانیم اینجا میشود پنج سال به پنجسال طرفین حق تقاضای تجدید نظر خواهند داشت فرض میکنیم الان توی يك دهی رفته اند و با صد گوسفند در این آبادی است می آیند در هر خانواری ده گوسفند بیست گوسفند است آنها را می شمارند و بموجب این لایحه پنج تایی آنرا مستثنی می کنند و ما بقی را میخوانند مالیات بگیرند . آن یکسال اول را هم مدرک میکنند برای ممیزی سایر سنوات .
یعنی بر حسب مقاطعه بطوری که در آنجا نوشته شده است بنده این مقاطعه را نمی فهمم .
فرض بفرمایند که رعیت بعد از يك سال آمد تمام گوسفندش را فروخت آنوقت آن چهار سال دیگر را هم از همان یکقنری میگیرند که گوسفند هایش را فروخته و گوسفند ندارد ؟
اینکه عدالت نیست که بعد مال آن چهار سال دیگر را هم از او بگیرند و بطور برعکس امروز می آیند تو این آبادی می بینند فلان رعیت پنج تا گوسفند هم ندارد که مالیاتی بر او ببندند ولی بعد از ممیزی میرود دو بیست تا گوسفند میخرد و استفاده کلی از آن میکند یعنی در مدت هفت سال یاده سال از اینها استفاده می نماید این یکقسمت .

از طرف دیگر ممکن است فرض شود که وزارت مالیه در نظر گرفته باشد که این را با کسب حساب ده بامباش حساب کند چنانچه يك چیزی هم آقای مدرس اظهار داشتند که این را بامباش با کسب حساب ده مذاکره میکنند و مباشر ده اظهار میکنند که دوست تا گوسفند در این ده است و خودش هم حسابش را نگاه میدارد بنده متعجبم که چطور حسابش را نگاه میدارد آیا گوسفند سجل احوال دارد ؟ یا قبض رسید باو میدهند وقتی از این دست بآن دست میگردد یا در ظرف چهار سال چهار قباله برای این گوسفند ها تهیه میشود . اگر بنا باشد برای امسال باشد که اسباب زحمت و خرج زیاد برای دولت است و بنده در اینجا میخواستم آقای مغبر یا آقای معاون وزارت مالیه توضیحی بفرمایند که طرز گرفتن این مالیات در این پنجسال چطور خواهد بود ؟
اگر واقعا همانطوری است که خودشان اینجا نوشته اند که بترتیب مقاطعه است که این ممکن است بطرز دلخواه عمل شود یعنی همان يك ده میروند و اسباب زحمت مردم میشوند یعنی آن کسیکه حالا هیچ گوسفند ندارد اداره مالیه هم که می بیند گوسفند ندارد چیزی از او نمی گیرد ولی پس از ده روز که صد تا یاده تا گوسفند خرید آنوقت چه خواهد شد ؟ آیا مالیه میرود و از او مالیات میگیرد ؟
بنابراین اگر این ماده یکطرفی نوشته میشد که قسمتها را معین میکرد خیلی بهتر از این بود . ممکن است که باز بفرمایند که در نظامنامه داخلی این ترتیبات را وضع خواهند کرد بنده چون می بینم این ماده یکی از مواد مهم است از اینجهت معتقدم که بهتر اینست که در همین ماده ذکر شود که بعد محتاج بآن نظامنامه اجرا نشویم .
رئیس - آقای افسر (اجازه)
افسر - بنده با اینکه خیلی مایل بودم که این قانون زودتر بگذرد ولی در اینجا هر چه فکر میکنم مبین منم توانم تناسبی قائل شوم بین مالیات املاک و مالیات اغانم واحشام در قدیم که ممیزی میکردند چون ممیزی ها خیلی فاصله داشت سی سال و چهل سال و پنجاه سال طول میکشید وقتی که میخواستند بچروان مالیات ببندند دوتا یکی حساب میکردند باین معنی که وقتی صد تا حیوان بود پنجاه تا فرض می کردند و همان مقدار هم مالیات میکردند بمناسبت اینکه تا ممیزی دیگر اگر کم و کسری پیدا شد اسباب زحمت نشود و گاهی هم سرشماری می کردند والا غالباً يك مالیاتی بر آن کله می بستند و آن مالیات را صاحبان کله بین خوشان تقسیم میکردند
گاهی پنجشاهی ده شاهی بهر گوسفندی می افتاد و هیچ وقت همچو مالیاتی که بيك میشی یا يك بز یکقران ببندند نبود مالیات اراضی را آمدید صد سه و نیم از عایدات قرار دادید من نمیدانم کمیسیون چطور فرض کرده است در صورتیکه شتریکه بکرایه میرود برای کار شخصی است و اگر ماده باشد برای زائیدن است و اگر نه باشد برای استفاده خودش است

کازرونی - مخالفم
رئیس - آقای رضوی (اجازه)
رضوی - بنده عرض کردم عرض ندارم ولی موافق اجازه میفرمایید عرض کنم ؟
رئیس - بفرمایند
رضوی - اینکه فرمودند طریقۀ اجرائش چطور است عرض می کنم که تقریباً نظیر همان مالیات ممیزی است که از اراضی گرفته میشود .
در ظرف پنجسال حق ندارند رسیدگی نمایند ولی در بین این مدت اگر صاحبان مواشی صدمۀ بهشان رسید که از اغانم و احشام آنها از نصف کمتر شد آنوقت يك اظهارنامه بدولت میدهند و دولت هم تجدید نظر میکند و از مالیات آنها کسر میکند و اگر هم اضافه شد که حق ندارند چیزی بگیرند .
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
کازرونی - بنده مخالفم
رئیس - موافق ندارم که شما میخواهید حرف بزنید ممکن است در پیشنهاد صحبت کنید . پیشنهاد آقای افسر قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم از شتر سالی شش قران گرفته شود .
رئیس - آقای افسر (اجازه)
افسر - بنده با اینکه خیلی مایل بودم که این قانون زودتر بگذرد ولی در اینجا هر چه فکر میکنم مبین منم تناسبی قائل شوم بین مالیات املاک و مالیات اغانم واحشام در قدیم که ممیزی میکردند چون ممیزی ها خیلی فاصله داشت سی سال و چهل سال و پنجاه سال طول میکشید وقتی که میخواستند بچروان مالیات ببندند دوتا یکی حساب میکردند باین معنی که وقتی صد تا حیوان بود پنجاه تا فرض می کردند و همان مقدار هم مالیات میکردند بمناسبت اینکه تا ممیزی دیگر اگر کم و کسری پیدا شد اسباب زحمت نشود و گاهی هم سرشماری می کردند والا غالباً يك مالیاتی بر آن کله می بستند و آن مالیات را صاحبان کله بین خوشان تقسیم میکردند
گاهی پنجشاهی ده شاهی بهر گوسفندی می افتاد و هیچ وقت همچو مالیاتی که بيك میشی یا يك بز یکقران ببندند نبود مالیات اراضی را آمدید صد سه و نیم از عایدات قرار دادید من نمیدانم کمیسیون چطور فرض کرده است در صورتیکه شتریکه بکرایه میرود برای کار شخصی است و اگر ماده باشد برای زائیدن است و اگر نه باشد برای استفاده خودش است

در اینصورت نمیدانم کمیسیون چطور شتر را آنقدر قابل فرض کرده است که یکتومان نوشته است !!
و از فرار صد سه و نیم مالیات يك شتر چه قدر باید باشد و بنده پیشنهادی هم راجع بگوسفند کرده ام که اگر اجازه بفرمایید حالا عرض میکنم که تکرار نشود
ملاحظه بفرماید يك گوسفند چه قدر عایدی دارد البته در همه جا ملاحظه فرموده اید که هر کجا گوسفند را بدهند بعد از سه سال با احتساب نیم من یا یا زده سیر یا ده سیر روغن با قدری کشک باو میدهند .
بالاخره وقتی حساب کنیم در تمام نقاط مختلفه مملکت روغن گرفته نیم من روغن منتهی هشت قران یا شش قران قیمت دارد و بعضی جاهای که پنج قران قیمتش است همه جا مثل طهران نیست که روغن منی دوتومان باشد با این حال باز يك تومان شتر نمیشود .
آنوقت ملاحظه بفرمایند که اگر حد وسطش را هم هفت قران یا هشت قران بگیریم چه قدر می شود يك قران تقریباً صد یا نود می شود در صورتی که شما مالیات املاک را صد سه و نیم قرار دادید .
علت اینکه توجهی بصاحبان گوسفند نشده است چیست ؟ در صورتیکه این استثناء ما را هم که شما در این قانون قائل شده اید و غالباً اهالی دهات مالیات نمی دهند .
زیرا برای زندگانی خودشانست و این مالیات را غالباً عشایر و ایلات میدهند یعنی آنکسانیکه در آفتاب ها زندگانی می کنند و از فوائد زندگانی و تمدن بی بهره هستند و بچه هایشان نه مدرسه میروند و نه تحصیل میکنند و اگر هم مریض شوند مجانی به آنها دوا نمی دهند و بالاخره استفاده هایی که در شهرها می شود در آنجا ها نمی شود و هیچ توجهی هم نسبت بآنها نمی شود .
در اینصورت علت چیست که این قدر مالیات بر آنها تحمیل شود که برای شتر یکتومان و برای گوسفند يك قران و برای بز یا نوزده شاهی مالیات بدهند و این مالیات خیلی زیاد است و حالا که میخواهید يك مالیاتی بر اینها ببندید پس لااقل طوری باشد که نزدیک عدالت باشد زیرا اینها يك چیزهایی است که بعد از چند سال از بین میرود و مثل ملك نیست که اصلش باقی بماند .
مغبر - بنده استدعا میکنم پیشنهاد آقای افسر و سایر پیشنهادات را ارجاع بفرمایند بکمیسیون تا مطالعاتی در پیش نهادها بشود و مجدداً رایورت جدیدی در این باب تقدیم شود .
رئیس - ارجاع این پیشنهاد را چون مغبر کمیسیون خواسته اند باید قبول شود

بنابراین با ماده ارجاع می شود بکمیسیون سایر پیشنهادات هم ارجاع می شود به کمیسیون .
بعضی از نمایندگان - جلسه را ختم بفرمایند .
معاون وزارت مالیه - دو فقره لایحه است تقدیم مجلس شورای ملی می شود یکی برای استخدام و اهر تکامف متخصص شیمی و یکی هم مستوری برای فتح الله نام سوار کمرک کتاه در حین خدمت مقتول شده است .
رئیس - هر دو ارجاع می شود به کمیسیون بودجه قدیم جلسه آتیه روز يك شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر .
شیروانی - بنده در دستور عرضی دارم .
رئیس - بفرمایند
شیروانی - عرض کنم در يك جلسه قبل راجع به بعضی عرایضی که بکمیسیون عرایض داده میشود . در اینجا يك تذکراتی دادم و مخصوصاً راجع بشکایاتی که از وزارت پست و تلگراف شده است بنده تقاضا کردم که از کمیسیون عرایض رایورتنی در این باب بمجلس داده شود ولی حالا که آقایان خیلی اصرار دارند که رایورت ممیزی در اول دستور باشد .
لذا بنده تقاضا میکنم که بعد از رایورت ممیزی آن مسئله جزو دستور شود و الان هم آقای رئیس کمیسیون عرایض توضیحاتی خواهند داد و بعد از قانون ممیزی آن رایورت جزو دستور گذارده شود
رئیس - هر وقت رایورت حاضر شد مطابق نظامنامه عمل خواهد شد . دستور جلسه آتیه هم بقیه دستور امروز .
جمعی از نمایندگان - صحیح است (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین
منشی - م. شهاب
منشی - علی خطایی
جلسه ۲۲۴
صورت مشروح مجلس یکشنبه هشتم آذرماه هزار و سیصد و چهار مطابق دوازدهم جمادی الاولی هزار و سیصد و چهار
مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید
صورت مجلس پنجشنبه پنجم آذرماه را آقای میرزا شهاب الدین قرائت نمودند
رئیس - آقای حاج آقا رضارقیع (اجازه)